

## Requirements and Consequences of Cultural Policy-making in Lebanon Based on Qualitative Content Analysis

**Hossein Perkan**

Assistant Professor, Islamic Science and Culture Research Institute, Qom, Iran. hperkan@yahoo.com

### Abstract

The purpose of the current study is to review requirements and consequences of Lebanon's cultural policy-making, with respect to the ethnic and religious extensiveness in this country and to present useful information and analyses for the policy-makers who seek open cultural space and acknowledgement of different ethnic groups, sects, and cultures. The method of study is descriptive-analytic and in this regard, the main steps of the process of cultural policy-making in Lebanon as well as its effective criteria were reviewed. Then, using qualitative content analysis, the most important negative consequences of the process of cultural policy-making in Lebanon, such as inattention to spiritual aspects and purposes of people's life in Lebanon, contradiction between objectives and means to implement policies, ambiguity and relativism in the procedures and stages of policymaking, pluralism, and intensification of secularism were extracted. It seems that using instructions from Lebanon's cultural system as a model in the cultural policy-making of other countries, makes cultural policy-making impossible. However, in a macro or infrastructural outlook, some instructions of Lebanon's cultural system can lead to betterment of the process of cultural policy-making in different stages. The necessity of utmost attention to different views, their acknowledgment, their impact on the prioritization and arrangement of policies, and making an effort to make the best use of them are among positive achievements of this approach.

**Keywords:** Cultural Policy-making, Parties, Sects, Ethnic Groups, Lebanon.

## الزامات و پیامدهای سیاست‌گذاری فرهنگی در لبنان مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی

حسین پرکان

استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. hparkan@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی الزامات و پیامدهای امر سیاست‌گذاری فرهنگی لبنان، با توجه به گستردگی قومی و مذهبی در این کشور و ارائه اطلاعات و تحلیل‌های مفید برای سیاست‌گذارانی است که بدنبال برخورداری از فضای باز فرهنگی و به رسمیت شناختن اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف هستند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و در این راستا، گام‌های اصلی فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور لبنان و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن بررسی و تبیین شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، مهم‌ترین پیامدهای منفی فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی لبنان، همچون عدم توجه به ابعاد و اهداف معنوی زندگی مردم لبنان، وجود تناقض میان اهداف و لوازم اجرای سیاست‌ها، وجود ابهام و نسبی‌گرایی در فرایندها و مراحل سیاست‌گذاری، تکررگرایی و تشتت و تقویت سکولاریسم استخراج شد. به نظر می‌رسد که بهره‌برداری از آموزه‌های نظام فرهنگی لبنان به عنوان الگویی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی سایر کشورها، سیاست‌گذاری فرهنگی را ناممکن می‌کند. البته در یک نگاه کلان یا فراچارچوبی، برخی از آموزه‌های نظام فرهنگی لبنان می‌تواند منجر به بهبود فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در مراحل مختلف شود. لزوم توجه حداکثری به دیدگاه‌های مختلف، پذیرش آن‌ها، تأثیر آن‌ها در اولویت‌بندی و طراحی سیاست‌ها و تلاش برای بهره‌برداری حداکثری از آن، جزو دستاوردهای مثبت این رویکرد است.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست‌گذاری فرهنگی، احزاب، فرقه‌ها، اقوام، لبنان.

**مقدمه**

ویژگی‌های خاص کشور لبنان در ابعاد اقتصادی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی، زمینه‌ی طرح سنخ خاصی از تحلیل‌ها را فراهم ساخته است. عناصر و مسائل کلیدی در فرهنگ لبنان، تأثیرات عمیقی در فرایند سیاستگذاری فرهنگی بر جای می‌گذارد که ضرورت بررسی این مفاهیم را ایجاب می‌نماید. این مقاله در حوزه سیاستگذاری فرهنگی است و به دنبال مطالعه «آنچه که لبنان در حوزه فرهنگ انتخاب می‌کند که انجام بدهد یا انجام ندهد» می‌باشد. لذا شامل مطالعه در خصوص فرایندهای سیاستگذاری فرهنگی لبنان، استقرار و اجرای سیاست‌ها و ارزیابی آن است. سطح بررسی در این مقاله، مطالعه میان‌رشته‌ای از فرایند سیاستگذاری فرهنگی لبنان است. در این سطح انتظار می‌رود که اطلاعات مربوط به چگونگی عملکرد فرایند سیاستگذاری فرهنگی، و ابزارها و روش‌های تحلیل چگونگی ساخت و استقرار سیاست‌ها، توسعه یابد. در واقع این تحقیق، دنبال پاسخ برای این پرسش است که «فرایند سیاستگذاری فرهنگی در لبنان، چه الزامات و چه پیامدهای مثبت و منفی به همراه دارد؟».

**پیشینه تحقیق**

مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در حوزه سیاستگذاری در لبنان یافت می‌شود؛ شامل حوزه‌های سلامت، آموزش و رفاه می‌باشد. معمولاً تحقیقات انجام شده در خصوص سیاستگذاری در لبنان، راجع به کشورهای حاشیه دریای مدیترانه می‌باشد که کشور لبنان نیز یکی از آنها می‌باشد. برخی از تحقیقات هم، اختصاصی لبنان می‌باشد. در خصوص موضوع این تحقیق و سیاستگذاری فرهنگی در لبنان، مطلب قابل توجهی یافت نشد. لیکن در ابعاد مختلف این پژوهش، تحقیقاتی موجود است. همچنین سایر ابعاد مرتبط با موضوع همچون پیشینه تاریخی، جامعه و محیط لبنان، وضعیت فرهنگی، فرهنگ سیاسی و غیره، مورد توجه پژوهشگران بوده و مطالبی موجود است. مقاله دیگری در زمینه واکاوی حضور زنان لبنانی در عرصه‌های فرهنگی توسط عزت ملاابراهیمی و اکرم روشنفکر (۱۳۸۸) به چاپ رسیده است که با بررسی فضای آزاد و بسترهای ایجاد شده برای حضور زنان در لبنان و انجام فعالیت‌های ارزنده در عرصه‌های سیاسی، تجاری، فرهنگی، فکری و ادبی، به رغم چالش‌های پیش رو و گسترش حضور در کنفرانس‌های فرهنگی و سیاسی داخل و خارج از کشور و خلق آثار ماندگار در عرصه‌های هنری و ادبی پرداخته‌اند. تحقیق خوب دیگری که در این حوزه انجام شده توسط ابوالحسن نواب و مجید شاکر سلماسی (۱۳۹۳) است. این مقاله، با نگاهی مبنایی‌تر درصدد بررسی ظرفیت‌های تقریبی در اندیشه کلامی و فقهی عالمان شیعه و سنی لبنان با نگاهی به جریان‌های دینی و سیاسی لبنان، همچنین بررسی ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه تقریب و چالش‌های منتهی به تهدید یا فرصت تقریب در لبنان است.

**روش تحقیق**

روشی که در این تحقیق استفاده شده است، روش تحلیل محتوای کیفی (Braun & Clarke, ۲۰۰۶) است. در این تحقیق تلاش شده است با بررسی ابعادی همچون پیشینه تاریخی لبنان، ادیان و مذاهب لبنان، احزاب و فرقه‌های لبنان، ابعاد جمعیتی و جغرافیایی لبنان، ساختار حکومتی و فرهنگی سیاسی لبنان، مهم‌ترین مؤلفه‌های مفهومی در چرخه سیاستگذاری فرهنگی لبنان، استخراج و تبیین گردد. در گام بعدی، با بررسی و تحلیل این مؤلفه‌ها، هم بطور مستقل و هم بطور یکپارچه در کنار یکدیگر، تقریر نهایی از

دستاوردهای مثبت و پیامدهای منفی فرایند سیاستگذاری فرهنگی لبنان، تنظیم و ارائه شده است (Masser & Williams, ۱۹۸۶, p. ۲۲-۲۴).

### مروری بر مؤلفه‌های فرهنگی لبنان

در ادامه به توضیح اجمالی برخی از مؤلفه‌های مهم فرهنگی لبنان که به نحوی یا «مسأله‌ساز» اند و یا جزئی از چرخه حل مسأله محسوب می‌شوند و یا «الزامات» و «پیامدهایی» را در چرخه سیاستگذاری فرهنگی به همراه دارند، می‌پردازیم.

#### پیشینه تاریخی لبنان

فرهنگ هر جامعه‌ای، همواره متأثر از سنت و تاریخ است. فهم مردم از هر متن یا واقعه تاریخی، محاط به تفسیرها، اعتقادات و دیدگاه‌هایی است که در طول تاریخ راجع به آن متن و موضوع شکل گرفته است و سنت و تاریخ آن اثر و واقعه را تشکیل می‌دهد. فرهنگ فعلی جامعه لبنان به ناچار متأثر از سنت و تاریخ اثرگذار است و در سیاستگذاری فرهنگی هرگز نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت. پیشینه تاریخی لبنان را می‌توان به پنج دوره مهم تقسیم کرد. این دوران عبارتند از: دوران باستان، دوره اعراب، حکومت عثمانی، جنگ جهانی اول و استعمار فرانسه و در نهایت؛ لبنان مستقل (Collelo, ۱۹۸۹).

تاریخ لبنان به ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد بازمی‌گردد. نخستین ساکنان شناخته شده لبنان، کنعانی‌ها بوده‌اند که به احتمال زیاد با یونانیان داد و ستد داشته‌اند و یونانیان آنان را فنیقی می‌نامیده‌اند. فنیقی‌ها قومی دریانورد و بازرگان بودند و قلمرو آنان شامل دولت-شهرهایی مستقل در شرق مدیترانه و مهاجرنشین‌هایی در کرانه‌های مدیترانه بود (Kaufman, ۲۰۱۴, p. ۲-۵). دولت‌ها و امپراتوری‌های گوناگونی بر لبنان فرمان رانده‌اند، از جمله هخامنشیان و ساسانیان، یونانیان، امپراتوران روم و بیزانس، خلفای مسلمان، صلیبیان و امپراتوری عثمانی. لبنان برای ۴۰۰ سال در قلمرو عثمانی بود (Winslow, ۱۹۹۶, p. ۱۰-۱۰۰). سال ۱۹۱۶، این مناطق در طول جنگ اول جهانی به قسمتی از حاکمیت فرانسه درآمد. پس از جنگ، سوریه و لبنان کنونی تحت حاکمیت فرانسه قرار گرفت (Chaitani & Seale, ۲۰۰۷).

دوران باستان، خود شامل چهار حکومت مهم بوده است که ترتیب زمانی آن عبارت است از: حکومت آشوریان، حکومت بابلیان و امپراتوری ایران، حکومت اسکندر کبیر و سلسله سلوکیان (Federal Research Division, ۲۰۰۴, p. ۲۳-۲۶). دوره اعراب نیز شامل حکومت بنی‌امیه (۶۶۰-۷۵۰م)، حکومت عباسیان (۷۵۰-۱۲۵۸م)، جنگ‌های صلیبی (۱۰۹۵-۱۲۹۱م) و حکومت مملوکیان (۱۲۹۲-۱۵۱۶م) می‌باشد (Ibid, p. ۲۶-۲۹). حکومت عثمانی (۱۵۱۶-۱۹۱۶) نیز شامل خاندان معن (۱۵۱۶-۱۶۹۷م)، خاندان شهاب (۱۶۹۷-۱۸۴۲م) و دوره درگیری‌های مذهبی می‌باشد (Ibid, p. ۲۹-۳۴).

دنبال جنگ جهانی اول، استعمار فرانسه (۱۹۱۴-۱۹۴۱م) بر کشور لبنان شروع شد. به دنبال فتح سوریه توسط نیروهای انگلیسی - فرانسوی و گرفتن آن از چنگ امپراطوری عثمانی، فرانسه در سال ۱۹۲۰ قیومیت لبنان را به طور جداگانه از آن خود کرد. در آن زمان اکثریت سوری‌ها مسلمان و اکثریت لبنانی‌ها مسیحی مارونی بودند. (Ibid, p. ۳۴-۳۵). با جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۱م)، لبنان توانست استقلال خود را بدست آورد (۱۹۴۳-۱۹۷۶م). بشاره الخوری (۱۹۴۳-۱۹۵۲م)، کامیل شمعون (۱۹۵۲-۱۹۵۸م)،

ظه‌ور شه‌ابیس‌م (۱۹۵۸-۱۹۶۴م)، شارل حلو (۱۹۶۴-۱۹۷۰م)، سلیمان فرن‌جی‌ه (۱۹۷۰-۱۹۷۶م)، جنگ داخلی (۱۹۷۵-۱۹۷۶م)، الیاس سرکیس (۱۹۷۶-۱۹۸۲م)، را می‌توان جزء مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار این دوران، یاد کرد (Ibid, p.۳۵-۵۰).

### جامعه و محیط لبنان

#### ترکیب جمعیتی لبنان

حدود ۱۶ میلیون نفر با نسب و اصالت لبنانی در سراسر دنیا زندگی می‌کنند. برزیل دارای بزرگ‌ترین جوامع لبنانی است. آرژانتین، استرالیا، کانادا، کلمبیا، فرانسه، انگلیس، مکزیک، ونزوئلا و آمریکا دارای جوامع لبنانی بزرگی هستند. حدود ۴۰۰ هزار نفر آواره فلسطینی نیز از سال ۱۹۴۸ در لبنان زندگی می‌کنند (Federal Research Division, ۲۰۰۴, p.۵۶). همچن‌ین در بندهای «ط» و «ی» از مقدمه قانون اساسی لبنان آمده است که: سرزمین لبنان سرزمینی یکپارچه برای تمامی مردم لبنان است و هر لبنانی حق اقامت در هر بخش از آن را در سایه حاکمیت قانون دارد. هیچ‌گونه تبعیض بین مردم براساس تعهد خاصی یا تقسیم‌بندی یا افزاز یا اقامت وجود ندارد. مشروعیت هر قدرتی که با منشور همزیستی در تضاد باشد به رسمیت شناخته نمی‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۷). در اصل نود و پنجم قانون اساسی لبنان نیز تأکید شده است که: الف) تمامی طوائف بشکل عادلانه در تشکیل دولت حضور دارند. ب) قاعده نمایندگی فرقه‌ای لغو شده است. قاعده مزبور با تخصص و صلاحیت در مشاغل دولتی، مناصب قضایی و سازمان‌های نظامی و امنیتی و مؤسسات دولتی و نیمه دولتی براساس الزمات آشتی ملی به استثنای طبقه اول مشاغل یا مشاغل معادل، جایگزین می‌شود. مشاغل مزبور به طور مساوی بین مسیحیان و مسلمانان تقسیم می‌گردد و با رعایت اصول تخصصی و صلاحیت شغلی به طائفه‌ای مشخص اختصاص داده نمی‌شود (همان).

#### دین و مذهب

در لبنان هفده فرقه مذهبی به رسمیت شناخته شده‌اند که یازده فرقه آنها مسیحی و پنج فرقه مسلمان و فرقه آخر نیز یهودیان هستند. فرق مسیحی به ترتیب: مارونی، ارتودکس یونانی، کاتولیک یونانی، ارمنی ارتودکس، ارمنی کاتولیک، پروتستان، سریانی کاتولیک، سریانی ارتودکس، کلدانی، نستوری و در نهایت لاتینی هستند. فرق مسلمان نیز شامل شیعیان، سنیان، دروزیان، علویان و اسماعیلیان هستند (راموز، ۱۳۹۲، ص ۸۱). بارزترین جریان‌های فکری و فرهنگی در محافل اهل سنت عبارت است از: جنبش‌های دارای گرایش اخوانی (که خود شامل «جماعت اسلامی»، «جبهه عمل اسلامی»، «جنبش توحید اسلامی» و «حزب تحریر» می‌باشد)، جریان سنتی اجتهادی (جمعیت طرح‌های خیریه اسلامی «احباش»)، جنبش سلفی‌گری در لبنان و سلفیت جهادی و اقدامات خشونت‌آمیز (حب‌الله و غریب رضا، ۱۳۹۴).

در اصل نهم قانون اساسی لبنان آمده است که آزادی مطلق عقاید وجود دارد. دولت ضمن تکریم خداوند متعال تمامی ادیان را محترم می‌شمارد و آزادی برپایی آیین‌های مذهبی را تضمین و از آن حمایت می‌نماید، به شرط اینکه برپایی آیین‌های مزبور موجب اختلال در نظم عمومی نباشد. دولت لبنان همچن‌ین احترام به احوال شخصیه و منافع دینی کلیه اتباع را صرف‌نظر از مذهب آنها، تضمین می‌کند. همچن‌ین در بند «ح» از مقدمه قانون اساسی لبنان آمده است: از میان برداشتن مذهبی‌گری سیاسی هدف اصلی ملی می‌باشد که برای تحقق آن باید بر اساس یک برنامه مرحله‌بندی شده اقدام کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۷).

### وضعیت آموزش، تکنولوژی و سرمایه انسانی در لبنان

در سال ۱۹۴۶ و بعد از اعلام استقلال، دولت لبنان برنامه آموزشی قدیم که از فرانسه گرفته شده بودند را عوض کرد و برنامه‌های جدید را در دستور کار قرارداد و زبان عربی را به عنوان زبان اصلی به تمامی مدارس لبنان وارد و استفاده از آن را در تمامی مقاطع تحصیلی اجباری کرد. همچنین دولت به دانش آموزان اجازه داد تا هر زبان دلخواه خود (فرانسه، انگلیسی و...) را به عنوان زبان دوم یاد بگیرند (Gonzalez, ۲۰۰۸).

### نمایی از وضعیت فرهنگی لبنان

طبق اصل یازدهم قانون اساسی لبنان زبان رسمی لبنان عربی است، اما هر یک از اقلیت‌های نژادی به زبان خود سخن می‌گویند. زبان فرانسه نیز کاربرد دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۷). در بند «ب» از مقدمه قانون اساسی لبنان چنین آمده است که: لبنان از هویت و وابستگی عربی برخوردار، یکی از اعضای بنیانگذار و فعال اتحادیه دول عربی و به قراردادهای آن پای‌بند است. لبنان همچنین از اعضای بنیانگذار و فعال سازمان ملل متحد است و به کنوانسیون‌های آن و بیانیه جهانی حقوق بشر پای‌بند می‌باشد. دولت لبنان اصول مزبور را در کلیه زمینه و عرصه‌ها بدون هیچ استثنایی به مورد اجرا می‌گذارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۷).

### فرهنگ سیاسی لبنان

فرهنگ سیاسی لبنان از مؤلفه‌های جالبی تشکیل شده است. در این راستا، آقای بنیامین مک کوین، نکات درخوری را در کتاب خود بیان کرده است (MacQueen, ۲۰۰۹). در اصل اول قانون اساسی این کشور، لبنان کشوری مستقل، واحد و مقتدر در نظر گرفته شده است و در بند ج از مقدمه قانون اساسی لبنان آمده است که لبنان جمهوری دموکراتیک و پارلمانی است که بنیاد آن بر پایه احترام به آزادی‌های عمومی و در رأس آنها آزادی عقیده و مسلک و برقراری عدالت اجتماعی و برابری در حقوق و وظایف در میان کلیه اتباع، بدون هیچ تبعیض و تمایزی، استوار می‌باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۷). نظام پارلمانی در لبنان متأثر از وضعیت فرقه‌ای، اجتماعی و مذهبی خاص این کشور می‌باشد. این سیستم به گونه‌ای طراحی شده است که تمامی اقوام و مذاهب در آن سهمی از قدرت سیاسی داشته باشند (Fakhoury Mühlbacher, ۲۰۰۹). برطبق این توافق، رئیس‌جمهور از میان مسیحیان مارونی، نخست‌وزیر از میان مسلمانان سنی مذهب، رئیس پارلمان از بین شیعیان و معاون نخست‌وزیر از بین مسیحیان ارتدوکس انتخاب می‌شود. پارلمان لبنان دارای ۱۲۸ کرسی است که به طور مساوی بین مسیحیان و مسلمانان تقسیم شده است. این توافق حاصل قرارداد طائف (۱۹۹۰) می‌باشد که به جنگ‌های داخلی در لبنان پایان داد. تا قبل از این توافق سهم مسیحیان در قدرت سیاسی بیشتر از مسلمانان بود (Traboulsi, ۲۰۰۷, p. ۲۴۰-۲۴۷).

مبتنی بر اصل نوزدهم قانون اساسی لبنان، شورای قانون اساسی برای اعمال نظارت تام بر مطابقت داشتن قوانین با قانون اساسی و اعلام نظر در خصوص تعارضات و اسناد مربوط به انتخابات ریاست جمهوری و مجلسین تشکیل می‌گردد. رئیس‌جمهور، رئیس مجلس نمایندگان، رئیس هیأت دولت یا ۱۰ عضو مجلس نمایندگان همچنین رؤسای جوامعی که منحصراً در خصوص احوال شخصی، آزادی عقاید، آزادی آیین‌های مذهبی و آزادی آموزش دینی قانوناً به رسمیت شناخته شده‌اند از حق درخواست تشکیل جلسه شورا برخوردارند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۷).

طبق اصل چهل و نهم قانون اساسی لبنان، رئیس‌جمهور، رئیس حکومت و نماد وحدت کشور می‌باشد. وی بر احترام به قانون اساسی و حفظ استقلال لبنان، وحدت و تمامیت ارضی آن طبق مفاد قانون اساسی نظارت دارد. همچنین براساس بند هشتم از اصل پنجاه و سوم قانون اساسی لبنان، رئیس‌جمهور، ریاست آیین‌های رسمی را به عهده دارد و نشان‌های حکومتی را اعطا می‌نماید (همان). طبق اصل هفدهم قانون اساسی لبنان قوه مجریه به شورای وزیران واگذار می‌شود و این شورا طبق مفاد قانون اساسی حاضر، آن را اعمال می‌نماید (همان).

بر اساس اصل شانزدهم قانون اساسی لبنان، فقط یک مجلس یعنی مجلس نمایندگان قوه مقننه را اعمال می‌نماید (همان). چنانچه در اصل بیست و دوم قانون اساسی لبنان آمده است: با انتخاب اولین مجلس نمایندگان براساس ملی و نه مذهبی، مجلس سنایی تأسیس خواهد شد که تمامی جوامع فکری در آن نمایندگی دارند؛ اختیارات آن محدود به مسائل خیلی مهم ملی می‌باشد (همان). ساز و کار قضایی کشور لبنان نیز طبق اصل بیستم قانون اساسی بدین شرح است که: قوه قضاییه در چارچوب شرح وظایف مقرر در قانون اقدام و تضمینات الزامی را برای قضات و متهمین فراهم می‌نماید. انواع محاکم با درجات مختلف قوه قضاییه را اعمال می‌کنند. قانون حدود و شرایط عدم عزل و انتقال صاحب منصبان قضایی را تعیین می‌کند. قضات درانجام وظیفه قضایی خود مستقل می‌باشند. احکام و آراء کلیه محاکم به نام مردم لبنان صادر و اجرا می‌شود (همان).

طبق اصل سیزدهم قانون اساسی لبنان، آزادی ابراز اندیشه از طریق سخن یا قلم، آزادی مطبوعات، آزادی گردهمایی و آزادی تشکیل جمعیت‌ها در محدوده مقرر در قانون تضمین شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۷). همچنین در اصل نود و پنجم قانون اساسی لبنان، تأکید شده است که: مجلس نمایندگان لبنان باید براساس مساوات میان مسلمانان و مسیحیان تدابیر لازمه را برای حذف فرقه‌گرایی سیاسی براساس یک برنامه مرحله‌بندی شده اتخاذ نماید. یک کمیته ملی به ریاست رئیس‌جمهور و با عضویت رئیس مجلس نمایندگان و رئیس هیأت وزیران و نخست‌وزیر و شخصیت‌های سیاسی، فکری و اجتماعی تشکیل می‌شود. وظیفه کمیته مزبور بر بررسی و پیشنهاد راهکارهایی که حذف فرقه‌گرایی را ممکن می‌سازند و ارائه راهکارهای مزبور به مجلس نمایندگان و هیأت وزیران و همچنین پیگیری اجرای مرحله‌بندی شده برنامه مبتنی می‌باشد. احزاب سیاسی مهم لبنان از این قرارند: گروه المستقبل، حزب سوسیالیست ترقی‌خواه، جنبش میهنی آزاد، جنبش مقاومت اسلامی حزب الله که در سال ۱۹۸۲ تشکیل گردید و عمدتاً شامل شیعیان جنوب لبنان می‌شود، جنبش امل که بخشی از بدنه شیعیان لبنان را نمایندگی می‌کند (Federal Research Division, ۲۰۰۴, p. ۱۳۸-۱۵۰).

#### روابط خارجی لبنان

کشور لبنان، طبق قانون اساسی، کشوری مستقل است. اما با توجه به وجود دو عنصر «کوچکی لبنان» و «به رسمیت شناختن فرقه‌ها، احزاب و ادیان و مذاهب»، زمینه‌های نفوذ و تأثیرگذاری کشورهای خارجی را تا حد زیادی فراهم کرده است. این تأثیرات و نفوذها به حدی است که شاید بتوان وجود شکلی ویژه از عدم استقلال را برای لبنان در نظر گرفت. علت اصلی این نوع از عدم استقلال، نیازهای مالی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی هر یک از فرقه‌ها، احزاب و مذاهب است که بدلیل کوچک بودن آنها، تنها توسط عناصر بیرونی قابل رفع است. همچنین شکل دیگری از تأثیرگذاری فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر لبنان وجود دارد که ممکن

است در اثر دشمنی با لبنان بوجود آید. همانند تأثیرگذاری اسرائیل بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد لبنان. در طول سال‌های گذشته، بیشترین تأثیر را بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد لبنان، کشورهای همچون فرانسه (Federal Research Division, ۲۰۰۴, p. ۳۴-۳۵)، سوریه (Osoegawa, ۲۰۱۳)، اسرائیل (Schulze, ۱۹۹۸)، فلسطین (Federal Research Division, ۲۰۰۴, p. ۱۵۴-۱۵۵)، ایران (Shaery-Eisenlohr, ۲۰۰۸, p. ۱۵۸-۱۹۸)، آمریکا (Gendzier, ۲۰۰۶) و اتحاد جماهیر شوروی (Federal Research Division, ۲۰۰۴, p. ۱۵۵-۱۵۶) داشته‌اند.

### خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

#### الگوی خط‌مشی‌گذاری

چرخه‌های متعددی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی توسط صاحب‌نظران و متفکران این عرصه، ارائه شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱- چرخه خط‌مشی‌گذاری عمومی هاوالت و رامش (هاوالت و رامش، ۱۳۸۰، ص ۱۵)

۲- چرخه خط‌مشی‌گذاری عمومی اصلاح شده هاوالت و رامش (همان، ص ۱۹)

۳- چرخه خط‌مشی‌گذاری عمومی هارولد لاسول (قلی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱-۱۲۲)

۴- الگوی شش مرحله‌ای برکلند (Birkland, ۲۰۱۱, p. ۲۶)

۵- چرخه خط‌مشی‌گذاری عمومی گری برور (قلی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲)

۶- فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی کوکران و همکاران (کوکران<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۹)

در فرایند بررسی مفاهیم، با توجه به اینکه بدنبال «الزامات» و «پیامدهای» فرهنگ‌های فرهنگی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی در لبنان هستیم، بهتر است نگاهی جامع و کلان در بررسی‌ها و انتخاب‌ها داشته باشیم. از این‌رو با بررسی و تحلیل مفهومی این الگوها، می‌توان جامع‌ترین الگو را همان الگوی هفت مرحله‌ای خط‌مشی‌گذاری هاوالت و رامش دانست.

الگوی خط‌مشی‌گذاری عمومی هاوالت و رامش شامل هفت مرحله می‌باشد. این هفت مرحله عبارتند از (قلی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵): شناخت، درک و بیان مسأله یا مشکل، تعیین دستور کار، تجزیه و تحلیل و گزینه‌سازی، انتخاب گزینه، طراحی سیاست، اجرا و به کارگیری خط‌مشی، ارزیابی خط‌مشی.

همچنین می‌توان پنج گام اول را در عنوان «تدوین سیاست» خلاصه کرد. بر این اساس الگوی ساده‌تری برای تبیین فرایند سیاست‌گذاری در اختیار خواهد بود. الگویی سه مرحله‌ای مشتمل بر تدوین سیاست، اجرا و ارزیابی آن. در ادامه به توضیح اجمالی گام‌های سه‌گانه می‌پردازیم.

<sup>۳</sup> Cochran



**گام اول:** تدوین سیاست: شامل پنج مرحله است که عبارتند از: الف- شناخت، درک و بیان مسأله یا مشکل، ب- تعیین دستور کار (مسائل و راه‌کارهای جایگزین آن، مورد توجه عمومی یا نخبگانی قرار می‌گیرد یا نمی‌گیرد)، ج- تجزیه و تحلیل و گزینه‌سازی، د- انتخاب گزینه، ه- طراحی سیاست (سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها قانونی می‌شوند).

**گام دوم:** اجرا و به کارگیری خط‌مشی: فرایند عملی شدن برنامه‌ها یا طرح‌ها را گویند (هاولت و رامش، ۱۳۸۰، ص ۲۴۴). به بیان دیگر، منظور ما از اجرا، فعالیت‌هایی است که به طور مستقیم خط‌مشی را به انجام می‌رساند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷).  
**گام سوم:** ارزیابی خط‌مشی: بررسی میزان اثرات مطلوب برنامه‌ها (Birkland, ۲۰۱۱, p. ۵۴).

### مدل مفهومی جهت استخراج الزامات و پیامدها در فرایند سیاستگذاری فرهنگی

در مراحل قبلی این تحقیق، مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در چرخه سیاستگذاری فرهنگی لبنان، پس از تحلیل، استخراج و تشریح شد. در این مرحله، نقش این مؤلفه‌ها و پیامدهای آن در چرخه سیاستگذاری، واکاوی و تحلیل می‌گردد. این اقدام، در چارچوب ماتریسی انجام می‌شود که سطرهای آن را، مؤلفه‌های اثرگذار و ستون‌های آن را، مراحل سیاستگذاری تشکیل داده است. از محل تلاقی مؤلفه‌های سطری و ستونی، الزامات و پیامدهای مورد نظر استخراج می‌گردد. در این راستا، ابتدا الزامات و پیامدهای هر یک از مؤلفه‌ها در چرخه سیاستگذاری استخراج و تحلیل شده است. سپس مؤلفه‌هایی که قرابت بیشتری با همدیگر داشته و الزامات و پیامدهای آن در چرخه سیاستگذاری، مشابه همدیگر بوده، در یک دسته قرار گرفته و در نهایت بر اساس جدول ذیل، الزامات و پیامدهای نهایی، ارائه شده است.

پیامدها	۳. ارزیابی خط‌مشی	پیامدها	۲. اجرا و بکارگیری خط‌مشی	پیامدها	۱. تدوین خط‌مشی	
						آزادی عمل همه فرقه‌ها و احزاب سیاسی، اساس دولت و قانون اساسی / آزادی تضمین شده فعالیت‌های رسانه‌ای و ... در محدوده قانون/ احترام به آزادی‌های عمومی و آزادی عقیده و مسلک / سهم داشتن تمامی اقوام در قدرت سیاسی / زبان رسمی مردم لبنان، عربی است ولی هر اقلیت به زبان خود سخن می‌گوید.
						عدم محدودیت در زمینه دینی/ دادگاه‌های خاص هر مذهب در خصوص طلاق و ازدواج و ...
						مرجع یابی فرهنگی در خارج از لبنان/ لبنان، کشوری مستقل
						ریاست جمهوری به مسیحیان، قوه مقننه به ریاست شیعیان، قوه مجریه اهل سنت و .../ درآمیختگی فرهنگ با آموزش
						تشکیل مجلس سنایی شامل نمایندگان همه جوامع فکری/ شورای قانون اساسی برای اعمال نظارت / رئیس‌جمهور رئیس

پیامدها	۳. ارزیابی خط مشی	پیامدها	۲. اجرا و بکارگیری خط مشی	پیامدها	۱. تدوین خط مشی	
						حکومت و نماد وحدت کشور / تجلی فرهنگ و هنر لبنان در موسیقی / یکی از کوچکترین کشورهای دنیا / امکان برقراری گفتگو
						پیشینه تاریخی لبنان / تأثیرپذیری فرهنگ جامعه از سنت و تاریخ / تاریخ غنی همراه با تنوع دینی، نژادی و فرهنگی / تبلور فرهنگ چند هزار ساله لبنان با ظاهری امروزی / هویت و وابستگی عربی
						ریاست جمهوری به مسیحیان، قوه مقننه به ریاست شیعیان، قوه مجریه اهل سنت و ... / نظام آموزش لبنان / درآمیختگی فرهنگ با آموزش
						حذف مذهبی گرایی سیاسی / حذف فرقه گرایی سیاسی
						پایبندی به حقوق بشر

### الزامات و پیامدهای مؤلفه‌های فرهنگی در چرخه سیاستگذاری فرهنگی لبنان

پس از آنکه بر اساس جدول فوق، الزامات و پیامدها استخراج گردید، آنها را در دو دسته (یکی بر مبنای چرخه سیاستگذاری فرهنگی و دیگری بر مبنای تحلیل کلان مؤلفه‌های موجود در نظام فرهنگی لبنان، فراتر از گام‌های چرخه سیاستگذاری فرهنگی) طبقه‌بندی و در ادامه، توضیحات آن ارائه شده است.

### الزامات و پیامدهای مؤلفه‌های فرهنگی مبتنی بر چرخه سیاستگذاری

الزامات و پیامدهایی استخراج شده بر مبنای مراحل موجود در چرخه سیاستگذاری، به شرح زیر می‌باشد.

#### تدوین سیاست‌ها

هر دسته از مؤلفه‌های فرهنگی، در مرحله «تدوین سیاست»، الزامات و پیامدهایی را بدنبال دارند که بخشی از آن در ادامه ارائه شده است.

#### الف- برخی از الزامات تدوین سیاست در لبنان

- لزوم به رسمیت شناختن همه فرقه‌ها، احزاب سیاسی، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های جامعه لبنان
- لزوم تسهیم قدرت بین تمامی اقوام
- لزوم رعایت مساوات بین همه فرقه‌ها، احزاب سیاسی و اقوام
- لزوم تقریب همه موقعیت‌های حقوقی و فرهنگی بمنظور ایجاد وحدت رویه
- لزوم تعیین شاخص‌هایی برای تشخیص مسائل فراگیر فرهنگی
- لزوم توجه لازم برای انتخاب برخی مبانی

- لزوم جلوگیری از تأثیر برخی جریان‌های سیاسی یا مذهبی در جهت‌دهی‌های حقوقی و فرهنگی
- لزوم توافق در تعیین اولویت‌های فرهنگی
- لزوم رفع تحلیل‌ها و گزینه‌های معارض
- لزوم توجه به پیش‌داوری‌ها و پیش‌دیده‌ها در شناخت و درک مسائل فرهنگی
- لزوم در دست گرفتن زمام امر شناخت و درک مسأله توسط سیاستگذار فرهنگی
- لزوم ارائه آموزش‌های هماهنگ و مناسب جهت شناخت و درک صحیح مسائل فرهنگی در همه اشکال آن
- لزوم توجه به آموزش‌های فرهنگی
- لزوم وارد کردن پیش‌تصورات و پیش‌فرض‌های سیاستگذار در میدان گفتگو بمنظور شناخت و درک مسائل فرهنگی
- لزوم گفتگو با متن جامعه و نمایندگان همه جوامع فکری برای درک و شناخت مسائل فرهنگی
- لزوم اولویت‌بندی مسائل بر اساس تعامل و گفتگو با جامعه
- لزوم بهره‌گیری از تحلیل‌های میدانی مبتنی بر واقع
- لزوم شناخت مسائل حال حاضر
- لزوم توجه به سیاست‌های کوتاه مدت
- لزوم به رسمیت شناختن همه آموزش‌ها
- پرهیز از ارائه روش خاصی برای رسیدن به حقیقت
- حقیقت‌پنداری همه آنچه سیاستگذاران، فارق از گرایش‌های فرقه‌ای و مذهبی می‌یابند
- لزوم تفاهم بر مبنای مشترک حقوق بشری
- ب- برخی از پیامدهای تدوین سیاست در لبنان مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی
- تأخیر و پیچیدگی در شناخت، درک و بیان مسائل فرهنگی
- ایجاد چالش و بحران در اثر تأخیر
- اکتفا به احساس مسأله به جای درک مسأله
- ناشنوبی‌های فرقه‌ای، حزبی و قومیتی
- تعارض در مبنای شناخت مسأله
- تعارض در تعیین دستور کارها
- عدم وجود شاخصی برای تعیین اولویت‌ها
- تکثر و تشتت در گزینه‌ها و تجزیه و تحلیل‌ها
- بی‌اعتمادی به خبرگان و کارشناسان
- تعارض و ابهام نسبت به برتری گزینه‌های منتخب

- هزینه‌های سرسام‌آور زمانی و ریالی به منظور تقریب همه موقعیت‌های حقوقی و فرهنگی
  - سردرگمی سیاستگذاران در تعیین شاخص‌هایی برای تشخیص مسائل فراگیر فرهنگی
  - ناکارآمدی مبانی و اسناد بالادستی در جلوگیری از تأثیر جریان‌ات قدرت در جهت‌دهی سیاست‌ها به سمت و سوی خاص
  - ناپرهیزی در دخالت پیشفرض‌ها نسبت به اولویت‌بندی و انتخاب گزینه‌ها
  - ارائه گزینه‌ها مبتنی بر سلايق شخصی سیاستگذاران و کارشناسان
  - مرجع‌یابی فرهنگی در خارج از لبنان بدلیل ضعف‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فرقه‌ها و احزاب سیاسی لبنان
  - زمام امر شناخت و درک مسأله به دست سیاستگذار فرهنگی داخلی نیست
  - اتخاذ رویکرد منفعلانه به سیاستگذاری
  - سیاستگذار، خود یکی از اجزا و بازیگران صحنه فرآیند شناخت و درک مسأله است، نه یگانه عامل و مجری آن؛
  - آموزش‌های فرقه‌ای و حزبی در شناخت مسائل فرهنگی و چندگانه بودن آن
  - پیچیدگی و تکرر و تنوع مسائل
  - به حاشیه رفتن الگوهای ایدئولوژیک
  - بی‌توجهی به مسائل آینده
  - بی‌توجهی به تجربیات و تحلیل‌های گذشته
  - عدم امکان ارائه گزینه‌های کارآمد طویل‌مدت
  - بهره‌برداری از گزینه‌های کوتاه مدت
  - ناشنوایی تخصصی
  - به رسمیت شناختن همه مسائل فرهنگی
  - تعارض بین مبانی فرقه‌ای، مذهبی و حزبی با برخی از مبانی حقوق بشری.
- اجرا و بکارگیری سیاست**
- هر دسته از مؤلفه‌های فرهنگی، در مرحله «اجرا و بکارگیری» خط‌مشی نیز، الزامات و پیامدهایی را بدنبال دارند که برخی از آن در ادامه ارائه شده است.

#### الف- برخی از الزامات اجرا و بکارگیری سیاست در لبنان

- لزوم احترام به همه فهم‌ها از گزینه‌ها و سیاست‌ها
- لزوم توجه و احترام به همه روش‌های اجرایی
- لزوم هم‌راستا کردن سیاستگذاران و مجریان
- لزوم توجه به پیش‌داوری‌ها و پیش‌دیده‌ها در اجرا
- لزوم توجه به آموزش‌ها و تفکیک آموزش مجریان و سیاستگذاران

- لزوم توجه و احترام به همه روش‌های آموزشی
- لزوم گفتگوی مجریان با سیاستگذاران
- لزوم توجه جدی به شرایط فعلی در اجرای سیاست‌ها
- لزوم وجود شاخصی برای تعیین صحت اجرا
- پرهیز از تعیین روش خاصی برای انجام سیاست‌ها
- لزوم تفاهم بر مبنای مشترک حقوق بشری در اجرا
- لزوم تلاش برای فهم حداکثری و مناسب سیاست‌ها توسط مجریان

#### ب- برخی از پیامدهای اجرا و بکارگیری سیاست در لبنان مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی

- تعارض و تشتت در اجرای سیاست‌ها
- تأخیر در اجرا
- عدم اعتماد به مدیران و کارشناسان اجرایی
- ناشنوایی تخصصی بدلیل فاصله زیاد موقعیت‌های سیاستگذاران و مجریان
- ابرتر ماندن سیاست‌ها و طرح‌ها
- شکاف نتایج اجرا با نتایج مورد انتظار
- اقدام به آموزش‌های فرقه‌ای و حزبی در اقدامات اجرایی
- چندگانه بودن آموزش‌های اجرایی
- احتمال ناهمخوانی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی
- تعارض و تشتت در اجرای آموزش‌ها

#### ارزیابی سیاست‌ها

هر دسته از مؤلفه‌های فرهنگی در مرحله «ارزیابی سیاست‌ها» نیز، الزامات و پیامدهایی را بدنبال دارند که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است.

#### الف- برخی از الزامات ارزیابی سیاست در لبنان مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی

- لزوم توجه و احترام به مبانی و اصول همه فرقه‌ها، احزاب سیاسی و اقوام در ارزیابی‌ها
- لزوم هم‌راستا شدن ارزیابان با مجریان و سیاستگذاران
- لزوم ارائه شاخص و مبنایی برای صحت و کارآمدی سیاست‌ها
- لزوم توجه به پیش‌دآوری‌ها و پیش‌دیدها در ارزیابی سیاست‌ها
- لزوم تعیین شاخص‌هایی برای ارزیابی آموزش‌ها
- لزوم گفتگوی ارزیابان با مجریان و متن سیاست‌ها

- لزوم توجه به شرایط فعلی در ارزیابی
- لزوم تفاهم بر شاخص‌های مشترک حقوق بشری در ارزیابی
- لزوم فهم مناسب‌تر سیاست‌ها و اقدامات اجرایی توسط ارزیابان
- ب- برخی از پیامدهای ارزیابی سیاست در لبنان مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی**
- تعارض و تشتت در ارائه شاخصی برای تعیین کارآمدی یا صحت کار
- پیچیدگی در طراحی روش خاصی برای ارزیابی سیاست‌ها
- عدم امکان ارزیابی مورد توافق همگان
- انحراف ارزیابی نسبت به اصل سیاست‌ها در اجرا
- اقدام به تفسیر به رأی در ارزیابی آموزش‌ها
- چندگانه بودن تفاسیر ارزیابان، مجریان و سیاستگذاران
- ناکارآمدی ارزیابی‌ها بدلیل ناهمزمانی و ناهمخوانی شرایط شناخت مسأله، اجرا و ارزیابی
- تعارض بین شاخص‌های فرقه‌ای، مذهبی و حزبی با برخی از شاخص‌های حقوق بشری.

### **پیامدهای مؤلفه‌های فرهنگی لبنان فراتر از گام‌های چرخه سیاستگذاری**

در این قسمت، برخی از پیامدهای مؤلفه‌های فرهنگی مذکور، خارج از چارچوب سه مرحله‌ای سیاستگذاری، ارائه و تبیین شده است.

#### **نقش پیشینه و سنت‌های تاریخی لبنان در سیاستگذاری فرهنگی**

چنانچه نقش «پیشینه و سنت‌های تاریخی لبنان» را در چرخه سیاستگذاری فرهنگی آن بپذیریم، هویت فردی و اجتماعی سیاستگذاران، متأثر از سنتی است که به آن تعلق دارند. این سنت‌ها اشکال گوناگونی دارند و می‌توانند مذهبی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن باشند. سنت به عنوان پیش‌زمینه‌ای که سیاستگذار به آن تعلق دارد، در تصمیم‌گیری‌ها، تعیین غایات حیات و انتخاب سیاست‌ها بسیار مؤثر خواهد بود. بنابراین معنای مفهیمی نظیر عدالت بر حسب انحای سنت‌های تاریخی تغییر می‌کند و تلقی از عدالت متناسب با سنت تاریخی‌ای که سیاستگذاران به آن تعلق دارند شکل می‌گیرد. بنابراین با این مبنا، از این اصول عام و ثابتی همچون عدالت بتواند حاکم بر فرایند سیاستگذاری باشد، می‌توان فاصله گرفت. همه جا می‌توان مفهومی همچون عدالت را متأثر از سنن تاریخی‌ای دانست که سیاستگذاران متعلق به خود را احاطه کرده و درون مایه عدالت به ناچار و ضرورتاً متأثر از این سنن است. پس چنین نیست که سیاستگذاران بتوانند فارغ و مستقل از تعهدات و هویت‌های اجتماعی و جامعه‌زبانی، به انتخاب اصول عقلانیت عملی خویش دست یازند.

وجود یک بستر اجتماعی قاعده‌مند در پس‌زمینه کنش‌های فردی یا همان سنت زبانی-تاریخی غنی لبنان را می‌توان به عنوان یک مؤلفه مهم در سیاستگذاری فرهنگی لبنان، مورد توجه قرار داد. به این معنا سیاستگذار فرهنگی، هیچ وقت نمی‌تواند بیرون از زبان،

بیرون از تاریخ و بیرون از سنتی که زبان و تاریخ شکل دهنده آن است، قرار بگیرد. یعنی هستی سیاستگذار، در درون این سنت فهم می‌شود و قرار می‌گیرد و فهمی هم که وی از هستی خود دارد در درون این سنت است.

### وحدت یا تکثرگرایی در نظام سیاستگذاری لبنان

چنانچه ذکر شد، بر مبنای مؤلفه‌های فرهنگ لبنان، وحدت حقیقی، در نظام سیاستگذاری فرهنگی وجود ندارد (راموز، ۱۳۹۲، ص ۲۳۲-۲۲۹). البته، اصراری بر این موضوع نداریم، اما پای‌بندی به این مؤلفه‌ها، چنین پیامدهایی را در بر دارد. چرا که نتیجه عمل به قانون اساسی لبنان این خواهد بود که هر فهمی (در بستر فرهنگی خود)، حاکی از کشف یا تولید حقیقت است و رسمیت‌بخشی به آن در سطح اجتماعی، پیامدی جز تکثر در بر ندارد. حتی وحدتی هم اگر متصور باشیم، بدلیل اینکه برآمده از موقعیت فعلی سیاستگذاران است، بعید است پایدار باشد. حتی ممکن است همین وحدت، خود منشأ نزاع باشد.

شاید بتوان به طور سنتی از وحدت ملی لبنان دفاع کرد، اما با یک نگاه عمیق‌تر به لایه‌های زیرین فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها، به نظر می‌رسد این تلقی سنتی و رایج، تلقی صحیحی نباشد. بر اساس آموزه‌های حکمت صدرایی، عامل وحدت حقیقی، مربوط به عالم عقل است (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵). مبتنی بر این اندیشه، برای جامعه‌ای که همه فرقه‌ها، ادیان و مذاهب به رسمیت شناخته می‌شود و برای آنها سهمی در قدرت و نظام سیاستگذاری در نظر گرفته می‌شود، حداکثر وفاق را می‌توان در معانی خیالی و حسی تصور کرد. بنابر این گرایش‌های چنین جامعه‌ای به سوی متخیل‌ها و محسوسات است و عملاً وحدت حقیقی وجود ندارد. در اینجا کنش‌گرانی دارید که با معانی هستند ولی معانی حسی و خیالی در افق وجود خود آنها است. چون این عالم خیال، خیال متصل است و در وجود خود آنها است. در اینجا فرهنگ حاصل تعاملات میان افراد است که واقع می‌شود.

اگر رویکرد و گرایش لبنان در سیاستگذاری فرهنگی، به این عالم باشد (که به ناچار چنین است)، در اینجا اصلاً معنای واحدی وجود ندارد و همان معنای واحد هم وقتی در اینجا حضور پیدا می‌کند، متکثر می‌شود؛ یعنی آن معنای واحد را در اینجا و در زمان و مکان نمی‌توان یافت. اگر دل و گرایش و ارتباط و پیوند با اینجا برقرار شد و به افق حس و خیال آمد، این افق، افق وحدت بخش نیست، بلکه افق کثرت و تنازع است و غیرقابل وحدت حقیقی است. در این شرایط نگاه سیاستگذاران فرهنگی، به یک امر مشترکی می‌شود، اما آن امر مشترک، منشأ کثرت و نزاع میان خود آنها است. زمانی هم که مقصد متکثر شد، منافع، متضاد می‌شود. بدین ترتیب حقیقت متکثری خواهید داشت که نسبی هم هست. برای یک طبقه و گروه چیزی حقیقت است و برای طبقه و گروه دیگری، چیزی دیگر. در یک نظام سیاستگذاری فرهنگی اینچنینی که امورات بر روی خیال می‌چرخد، فرهنگ تنها یک امر ذهنی و درونی افراد است و به یک روانشناسی اجتماعی تقلیل پیدا می‌کند.

### اختلاف در نظام سیاستگذاری فرهنگی لبنان

هر تفسیری از معنا در نظام سیاستگذاری فرهنگی، برای خود اقتضائاتی دارد. به عنوان مثال اگر همه بطور ناخودآگاه یا آگاهانه بخواهند مبتنی بر آموزه‌های فرقه‌ای، حزبی یا مذهبی خود تفسیر کنند، تضادهایی را در بر خواهد داشت. حتی اگر در اینجا معنای واحدی وجود داشته باشد، زمانی که همه دنبال آن بروند، همین هدف واحد، اقتضای شکل‌گیری تضادهایی را در درون خود دارد. مثلاً اگر همه دنبال معنای واحدی مثل قدرت باشند، چه اتفاقی می‌افتد؟ همین معنای واحد، منشأ تضاد می‌شود. به عبارت دیگر،

«ما به الاشتراک» آنها «ما به الاختلاف» آنها می‌شود. بنابراین، سیاستگذاران فرهنگی، مجبور می‌شوند برای این که به یک نقطه برسند، به هم هجوم آورند و یا یکدیگر را کنترل کنند. در چنین شرایطی، به این نتیجه می‌رسند که بدون یک کنترل و نوبت گذاشتن، هیچ کدام به هیچ چیزی نمی‌رسند. به تبع آن یک نظم بیرونی و انسجام سیستماتیک پیدا می‌شود. اما این انسجام، یک انسجام واقعی نیست و همه نسبت به یکدیگر بیگانه‌اند.

### تقویت رویکرد سکولاریسم در سیاستگذاری فرهنگی لبنان

سکولاریسم عمیق‌ترین لایه معرفتی جهان متجدد غرب است. سکولاریسم به معنای نگاه دنیوی و این جهانی به هستی است. سکولاریسم دارای دو بعد عملی و نظری است. بعد عملی سکولاریسم میل و گرایش عملی به این جهان است. کسی که وابستگی و علاقه به زندگی دنیا دارد، ممکن است به لحاظ نظری به جهان معنوی و حقایق فوق طبیعی نیز قائل باشد. چنین شخصی، ممکن است کنش‌ها و رفتارهای دنیوی و این جهانی خود را توجیه معنوی و یا دینی نیز بکند. بعد نظری سکولاریسم ناظر به تفسیر دنیوی و این جهانی هستی است. سکولاریسم عملی ریشه‌ای دیرین در تاریخ زندگی بشر دارد. اما سکولاریسم نظری، خصوصیت منحصر به فرد جهان متجدد است (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹-۱۶۰).

علی‌رغم اینکه در قانون اساسی لبنان به خداوند احترام گذاشته شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۷)، اما عدم توجه به مرجعیت وحی و پالایش و تطهیر در تفسیر و به رسمیت شناختن گرایشات دنیوی در فرایند فهم، سرانجامی جز گرفتاری مجدد در دام سکولاریسم ندارد. سکولاریسم از دو زاویه «سکولاریسم عملی» و «سکولاریسم نظری (همه انواع آن)»، جزء خوشبینانه‌ترین پیامدهای نظام کلان فرهنگی لبنان است و در سیاستگذاری فرهنگی آن هویدا است. در عمل نیز، با توجه به تسهیم قدرت بین فرقه‌ها و احزاب مختلف، وجه غالب سیاستگذاران را افرادی تشکیل خواهند داد که برآیند تصمیمات و اقداماتشان، تقویت سکولاریسم خواهد بود.

### از خودبیگانگی فرهنگی و اجتماعی در لبنان

گاهی جامعه یا ملتی دچار از خودبیگانگی می‌شود و جامعه‌ای دیگر را خود می‌پندارد و گاهی اوقات ملتی از خودبیگانه می‌شود و از هویت ملی و فرهنگی خویش فاصله می‌گیرد و هویت فرهنگی جامعه‌ای دیگر را اصل قرار می‌دهد (بشیری، ۱۳۸۹). چنانچه در بخش «روابط خارجی لبنان» نیز بدان اشاره شد، سیاستگذار فرهنگی در لبنان، وابسته به هر فرقه، حزب یا مذهبی باشد، بدلیل کاستی‌ها و ضعف‌های داخلی، هویت فرهنگی جامعه‌ای قوی‌تر را که همسو با اهداف و آمال فرقه‌ای، حزبی یا مذهبی او باشد، اصل قرار داده و از هویت ملی و فرهنگی خویش فاصله می‌گیرد. نه تصویر درستی از خود دارد و نه تصویر درستی از جامعه؛ هم از خود بیگانه می‌شود و هم از جامعه. این نوع از خودبیگانگی، معلول عوامل گوناگونی است که از آن جمله می‌توان به ساختار فرهنگی و نحوه سیاستگذاری فرهنگی اشاره کرد.



## نتیجه‌گیری

این تحقیق، بر آن بود که تحلیلی از فرایند سیاستگذاری فرهنگی لبنان ارائه دهد و مؤلفه‌های فرهنگی خاص لبنان را تفسیر کند. دستاورد این کاوش، استخراج الزامات و پیامدهای منفی سیاستگذاری فرهنگی در کشور لبنان مبتنی بر الگویی ماتریسی برای مؤلفه‌های فرهنگی این کشور است. در واقع پس از آنکه مواجهه‌ای بین مؤلفه‌ها و گام‌های چرخه سیاستگذاری انجام شد و از تلاقی سطرها و ستون‌ها، الزامات و پیامدهای آن استخراج شد، مؤلفه‌هایی که به لحاظ مفهومی و نیز الزامات و پیامدهای آن، قرابت بیشتری داشتند، در یک دسته قرار گرفتند.

در فرهنگ کشور لبنان، وحدت حقیقی، متصور نیست و جامعه دچار تکثر است و اگر هم وحدتی حاصل شود، منجر به نزاع و اختلاف می‌شود. همچنین سیاستگذاری فرهنگی در لبنان، زمینی و فاقد رویکردهای معنوی به جامعه است لذا جامعه برآمده از این فرهنگ، جامعه دینی نخواهد بود و بطور خوش‌بینانه می‌توان سکولاریسم را از آن انتظار داشت. از طرفی دیگر، اهداف، اساساً نمی‌تواند به عنوان هدف یک نظام فرهنگی در نظر گرفته شود، بلکه اهدافی حداقلی است؛ زیرا عملاً مبتنی بر این مفاهیم، هیچ سیاستگذار فرهنگی در یک نظام فرهنگی، قادر به فرا رفتن از زمانه و ارائه آنها به عنوان یک افق مشترک بین نسلی یا بین فرهنگی نیست و این فرایند، صرفاً نوعی فعالیت مسالمت‌آمیز اجتماعی است. در نتیجه می‌توان عدم توجه به ابعاد و اهداف معنوی زندگی مردم لبنان، وجود تناقض میان اهداف و لوازم اجرای سیاست‌ها، وجود ابهام و نسبی‌گرایی در فرایندها و مراحل سیاستگذاری، تکثرگرایی و تشتت و تقویت سکولاریسم به عنوان مهم‌ترین پیامدهای منفی فرایند سیاستگذاری فرهنگی در لبنان دانست.

به نظر می‌رسد که بهره‌برداری از آموزه‌های نظام فرهنگی لبنان بعنوان الگو در چرخه سیاستگذاری فرهنگی سایر کشورها، سیاستگذاری فرهنگی را ناممکن می‌کند. چرا که در آن تعارضات زیادی وجود دارد و وحدت و انسجامی در مبنای این مقصود، وجود ندارد. بر این اساس، فرایند سیاستگذاری فرهنگی لبنان، دچار تکثر و تشتت شده و تعارضات و اختلاف برداشت‌ها و نیز عدم امکان درک کامل گذشته و آینده، فرایند سیاستگذاری فرهنگی را کاری عبث و بیهوده جلوه می‌دهد.

البته در یک نگاه کلان یا فراچارچوبی، برخی از آموزه‌های نظام فرهنگی لبنان می‌تواند منجر به بهبود فرایند سیاستگذاری فرهنگی در مراحل مختلف شود. لزوم توجه حداکثری به دیدگاه‌های مختلف، پذیرش آنها، تأثیر آنها در اولویت‌بندی و طراحی سیاست‌ها و تلاش برای بهره‌برداری حداکثری از آن، جزء دستاوردهای مثبت این رویکرد است. هرچند نباید تأثیر صاحبان قدرت و ثروت را در مراحل مختلف، نادیده گرفت اما پذیرش دیدگاه‌های مختلف در سیاستگذاری فرهنگی، بطور کامل و به خودی خود به عنوان مبنای، چنین مشکلاتی را در بر دارد.

در واقع می‌توان اینچنین جمع‌بندی کرد، هرچقدر تکثر و تفاوت‌های قومی، مذهبی و نژادی بیشتر باشد و سیاستگذاران بخواهند آنها را به معنی واقعی به رسمیت بشناسند، ناگزیرند عمق و گستره مؤلفه‌های فرهنگی را بایستی تقلیل دهند. به عبارت دیگر هرچه تکثر بیشتر باشد، برای کاهش تشتت، ناگزیر به کاهش و تقلیل مؤلفه‌های فرهنگی برای سیاستگذاری هستیم.

## منابع

- الوانی، مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۸). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۹). از خودبیگانگی. معرفت، شماره ۹۱.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). *جهان‌های اجتماعی*. قم: کتاب فردا.
- حب‌الله، حیدر؛ غریب رضا، حمیدرضا (۱۳۹۴). بررسی سریع صحنه فکری و فرهنگی لبنان. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- راموز، صالح (۱۳۹۲). *لبنان؛ هویت ملی و تأثیر آن بر روابط دوجانبه با ایران*. تهران: سروش.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۵۷). *قانون اساسی لبنان*.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). *تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: انتشارات سمت.
- نواب، ابوالحسن؛ مجید شاکر سلماسی (۱۳۹۳). ظرفیت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب اسلامی در لبنان. *شیعه‌شناسی*، دوره ۱۲، شماره ۴۷، ص ۲۳۳-۲۵۸.
- هاولت، مایکل؛ رامش، ام (۱۳۸۰). *مطالعه خط‌مشی عمومی*. ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- Birkland, T.A. (۲۰۱۱). *An introduction to the policy process: Theories, concepts, and models of public policy making*. by Thomas A. Birkland (۳rd ed.). Armonk, N.Y.: M.E. Sharpe.
- Braun, V. & Clarke, V. (۲۰۰۶). Using thematic analysis in psychology, *journal of Qualitative Research in Psychology*.
- Chaitani, Y. & Seale, P. (۲۰۰۷). *Post-colonial Syria and Lebanon*. London: I.B. Tauris.
- Cochran, C.E. (۲۰۱۲). *American public policy: An introduction*. Clarke E. Cochran ... [et al.] (۱<sup>st</sup> Ed.). Sydney: Wadsworth/Cengage Learning.
- Collelo, T. (۱۹۸۹). *Lebanon: a country study*. ۳rd ed. Washington, DC: library of congress.
- Fakhoury Mühlbacher, T. (۲۰۰۹). *Democracy and power-sharing in stormy weather: The case of Lebanon*. Wiesbaden: VS, Verlag für Sozialwissenschaften (VS Research).
- Federal Research Division (۲۰۰۴). *Lebanon: a country study*. [Whitefish, Mont.]: Kessinger Publishing.
- Gendzier, I.L. (۲۰۰۶). *Notes from the minefield: United States intervention in Lebanon and the Middle East, 1945-1958*. New York: Columbia University Press.
- Gonzalez, G. (۲۰۰۸). *Facing human capital challenges of the 21st century: Education and labor market initiatives in Lebanon, Oman, Qatar, and the United Arab Emirates*. Santa Monica, CA: RAND Corp.
- Kaufman, A. (۲۰۱۴). *Reviving Phoenicia. The search for identity in Lebanon*. New paperback edition. London & New York: I.B. Tauris; Distributed in the United States and Canada exclusively by Palgrave Macmillan.
- MacQueen, B. (۲۰۰۹). *Political culture and conflict resolution in the Arab World: Lebanon and Algeria*. Carlton, Vic.: Melbourne University Publishing (Islamic studies series, ۳).

- Masser, I. & Williams, R.H. (۱۹۸۶). *Learning from other countries: The cross-national dimension in urban policy-making*. Norwich, UK: Geo Books.
- Osoegawa, T. (۲۰۱۳). *Syria and Lebanon. International Relations and Diplomacy in the Middle East*. London: I.B. Tauris (Library of modern Middle East studies, ۱۴۰).
- Schulze, K.E. (۱۹۹۸). *Israel's covert diplomacy in Lebanon*. New York: St. Martin's Press (St. Antony's series).
- Shaery-Eisenlohr, R. (۲۰۰۸). *Shi'ite Lebanon: Transnational religion and the making of national identities*. New York: Columbia University Press (History and society of the modern Middle East).
- Traboulsi, F. (۲۰۰۷). *A history of modern Lebanon*. London: Pluto Press.
- Winslow, Ch. (۱۹۹۶). *Lebanon: War and politics in a fragmented society*. London, New York: Routledge.

